



## بزرگ‌ترین سارقان تاریخ ایران

مروری بر کارنامه سسیاه غارت ثروت کشور در دوره ۱۰ساله سلطنت پهلوی



## دوره پهلوی، دوره سلطه بیگانگان بود

مقایسه دستاوردهای انقلاب و رشد و توسعه ایران پس از انقلاب به روایت معاون پژوهشی مؤسسه مطالعات تاریخ ایران

# هلمشاهانک انقلاب



# چند روایت از یک بیمار جنسی

چندسند تاریخی درباره اشرف

خواهر شاه که در بی‌بندوباری شهره بود



### گزارش

اشرف در سال ۱۳۴۸ به‌دلیل حمل یک چمدان حاوی تریاک در فرودگاه زورویخ با‌داشت شد.اما پلیس سوئیس پس از بررسی گذرنامه سیاسی او و با توجه به نستیتش با محمدرضا پهلوی او را آزاد کرد.
ب‌این حال در اسفند همین سال، او به ریاست کمیته ایرانی حقوق بشر منصوب شد.
(اسناد تاریخی – ص ۱۶ – چاپ ۱۳۸۱) سازمان سیا در گزارشی درباره فساد خاندان پهلوی می‌نویسد: «خبراً رئیس یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های ایران به یکی از مقامات سفارت گفته که چندی پیش، توجه‌شاه را به یکی از معاملات اشرف جلب کرده بود. رئیس این بانک گفته، اگر جزئیات این معامله علنی شود، (به‌دلیل رقم بالای سوءاستفاده مالی) بازتاب منفی خواهد داشت که شاه به این گزارش توجهی نکرد. رئیس بانک می‌گفت: اگر کسی دیگر جز اشرف این کار را کرده بود، ۱۰سال حبس می‌کشید.»(معمای هویندا /عباس میلانی / ص ۲۴۷)

این دو پاراگراف مستند، فقط گوشه‌ناچیزی از مفاسد اشرف پهلوی است. خواهر همزاد آخرین شاه ایران که در دوران سلطنت محمدرضا چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی نقشی بسیار مهم، پرزنگ و اساسی داشت. اگر چه پایان زندگی او در غربت، فاصله معناداری با دوران تاخت و تازش در دربار داشت؛ اشرف در سال ۱۳۹۴ در ۹۶سالگی در مونت‌کارلو، در حالی که به بیماری آلزایمر مبتلا بود، درگذشت. در ادامه نمونه‌هایی از روابط و مناسبات او را در دربار و خارج در ربار خواهید خوانند.

### یک اعتراف کوچک

«قبل از من خواهر دوست داشتنی‌ام شمس، به دنیا آمده بود. و حالا هم پسری متولد شده بود که رؤیاهای پدر و مادرم را برآورده می‌ساخت. این حقیقت که من در همان روزی متولد شده بودم، که محمدرضا، ولیعهد و شاه آینده ایران به دنیا آمده بود، همیشه این فکر را در من تقویت می‌کرد که هرگز نباید از پدر و مادرم انتظار داشته باشم محبت و علاقه مخصوصی نسبت به من اظهار نمایند.» این کمبود در تمام زندگی اشرف هم‌راش بود.

### بیگانه در خانه

«با اینکه این همه بچه در خانواده ما وجود داشت، دوران کودکی من اغلب به تنهایی می‌گذشت. شمس که نخستین بچه و دختر مورد علاقه خانواده بود، والا حضرت اشرف پهلوی، و پسر و ولیعهد بود، همه دوست داشتند. من خیلی زود احساس کردم که بیگانه‌ای بیش نیستم و باید برای خود جایی بکنم.»

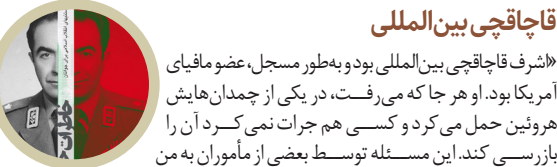
### حمل‌ونقل قاچاق

«یکی از بازپرسان داسرای تهران، به‌طور خصوصی به یکی از دوستان خود اظهار داشته بود، والا حضرت اشرف پهلوی، بزرگ‌ترین بانسد قاچاقچیان تریاک و موادمخدر ایران را سرپرستی می‌کنند و آقای دکتر جهانشاه صالح، وزیر سابق بهداشتی، نیز با مشارالیه همکاری و معاونت دارند و به همین جهت، دستگاه‌های قضایی و انتظامی قادر به تعقیب شدید قاچاقچیان و دستگیری مؤثرترین آنها نیستند.»

### مزارع خشخاش

اشرف دائم سخن از خیانت احمد شفیق، شوهر دومش را بازگو می‌کرد. در عین حال خودش معشوق‌های متعددی داشت. یکی از آنها، رزم آرا بود که نامه‌هایش را کاوه بیات منتشر کرده بود. هفت، هشت نامه است که در آنها به رزم آرا اظهار علاقه می‌کند. اما این عشق و علاقه، رویه دیگری هم داشت. رزم آرا، به وابسته سفارت انگلیس در تهران گفته بود که این خانم، یعنی اشرف پهلوی، خیلی مزاحم من می‌شود. او در اصفهان و خاناتق مزارع گسترده خشخاش دارد و می‌خواهد که من دستور دم تریاک حاصل از آن را با کامیون‌های ارتش به تهران بیآورم.

اشرف پهلوی / ا ج ۲ / خسرو معتضد



### قاچاقچی بین‌المللی

«شرف قاچاقچی بین‌المللی بود و به‌طور مسلح، عضو مافیای آمریکا بود. او هر جا که می‌رفت، در یکی از چمدان‌هایش هروئین حمل می‌کرد و کسی هم جرات نمی‌کرد آن را بازرسی کند. این مسئله توسط بعضی از مأموران به من گزارش شد و من نیز به محمدرضا اطلاع دادم که اشرف چنین کاری می‌کند. محمدرضا دستور داد که به او بگویید این‌ کار را نکنند. همین! چه کسی به اشرف بگوید؟ من؟ موقعی که خود محمدرضا نمی‌توانست یا نمی‌خواست جلوی اشرف را بگیرد، من که بودم و چگونه می‌توانستم؟»

خطرات حسین فردوست / ص ۲۲۴

### ارتباط با مافیا و وقوع یک قتل

ماجرای در نیس فرانسه رخ داد که آن را به قاچاق موادمخدر و ارتباط او با مافیا مرتبط می‌دانستند. صبح زود که اشرف از قمارخانه با اتومبیل به ویلایش می‌آمد ناگهان اتومبیلی راهشان را سد کرد و فروع خواجه نوری را که در صندلی جلونشسته بود، به رگبار بستند و او را خلاص کردند. بعدها مشخص شد که آنها ز مافیای بودند.

خطرات حسین فردوست / ص ۲۲۴

### فهرست بلند بالای روابط نامشروع

«فردوست» می‌نویسد که اگر قرار شود لیست مردانی که در دوران ۳۷ساله سلطنت محمدرضا با اشرف رابطه داشتند تهیه شود، به‌رغم غیرممکن بودن کار، چون حتی خود اشرف هم ممکن است همه را به یاد نیآورد، قطعاً لیست بلندی خواهد شد.

اشرف در هر زمینه در حداعلای افراط و گستاخی است و می‌توانم او را «فاسدترین زن جهان» بنامم. در تاریخ زنان فاسد جهان، مثل اشرف نیست یا ندارد! معذرت. قاچاقچی موادمخدر، عضو مافیای آمریکا، بیمار جنسی و زنی که به‌قول خودش اگر هر شب یک مرد تازه‌نبتند، خوابش نمی‌برد!

ظهور و سقوط / خاطرات حسین فردوست / ج ۲ / ص ۲۲۲

### نتیجه بازرسی از اتاق مایه شرم‌آور بود

بعد از انقلاب معاون وزیر دارایی بودم. «بند جیم» یعنی حفاظت اموال قصرها با بنده بود. در بازرسی اتاق اشرف، یک وضعیت عجیب و غریبی دیدیم. آنجا یک ویدئوهایی پیدا کردند که محرمانه بود و افشا نکردند. ویدئوهایی از روابط جنسی اشرف با افراد دیگر که در سرپال معمای شاه، فقط گوشه‌هایی از آن را نشان دادند. مثلاً یکی از ویدئوهایی که من از گفتنش شرم دارم اما برای ثبت در تاریخ می‌گویم، فیلمی بود که در آن اشرف با حیوان خانگی‌اش رابطه جنسی برقرار می‌کند؛ در آن کمد پر بود از چیزها. این فیلم همان ایام به مسئولان مربوطه تحویل داده شد.

گفت‌وگو بامصطفی مهذب، مسئول حفاظت از کاخ‌های سلطنتی

### هو اس‌انی‌های مکرر

«... اشرف با نقشه قبلی، قرار ملاقات یک مهمانی را بدون اطلاع «با لاتجیان» تر تیب می‌دهد. وقتی وی اشرف را در مهمانی می‌بیند عصبانی می‌شود. اشرف به پایش می‌افتد و با گر به انتماس می‌کند که به من رحم کن دارم از عشق تو از بین می‌روم. ولی با لاتجیان باز جواب رد می‌دهد... اشرف مدتی نیز به ویگن خواننده، بند کرده بود و او هم از رابطه با اشرف آگراه داشت. اینجا همه یک صد ماجراهای اشرف هم نیست و تنها عمده‌ترین مواردی است که اکنون در ذهن دارم.»

ظهور و سقوط پهلوی / حسین فردوست / جلد اول

### در باشگاه آمریکایی‌ها

آمریکایی‌ها در خیابان امیرآباد یک باشگاه داشتند که مخصوص افراد افسران و درجه‌داران شان بود. آنها به سرعت باشگاه امیرآباد را به مرکز فحشا تبدیل کردند. محلی که اشرف بی‌پروا به آن سر می‌زد و با سر بازان آمریکایی رابطه برقرار می‌کرد. خودش در این باره می‌نویسد: «در نخستین سال‌های پس از رفتن پدرم به تبعید، تغییرات مهمی در زندگی من ایجاد شد... با از بین رفتن کنترل شدید که پدرم نسبت به ما اعمال می‌کرد و در شرایط حاد و پر فراز و نشیب دوران جنگ، من آزاد بودم که برنامه روزانه‌ام را آن طوری که خودم می‌خواستم تنظیم کنم... با در نظر گرفتن شیفتگی خاص که به فرهنگ غربی پیدا کرده بودم، هنگامی که شنیدم... سر بازان آمریکایی به پایگاه امیرآباد خواهند آمد، نتوانستم جلوی خودم را بگیرم... دلم می‌خواست یک شب را بدون دردسر و دور از تشریفات رسمی در چنین مجلسی بگذرانم. از این روز... ای‌ه صورت ناشناس! به امیرآباد می‌رفتم... رابطه سر بازان آمریکایی نسبتاً گرم و دوستانه بود...»

پهلوی، اشرف، من و برادرم، مصص ۱۱۱–۱۰۸

### ماجرای نامه‌نگاری‌های عاشقانه

### با مرد متاهل

اشرف پس از چند سال زندگی مشترک با «احمد شفیق» که به‌صورتی فضاحت‌بار از او دواج کرد، از او خسته و بیزار شد و در حالی که هنوز همسر شرعی شفیق به‌حساب می‌آمد، به «رزم آرا» رئیس ستاد کل ارتش شاهنشاهی روی خوش نشان داد. زیرا دوست داشت این چهره مقتدر در هیأت حاکمه ر عاشق و دل خسته خود بیند. آن هم در شش‌رابطی که رزم آرا متاهل بود و از همسرش خانم «هدایت» (خواهر صادق هدایت) صاحب چند فرزند بود.

بدین ترتیب یک ماجرای عشقی دیگر در کارنامه زندگی رزم آرا فساد اشرف ثبت و نامه‌نگاری‌های عاشقانه میان این زن و مرد متاهل آغاز می‌شود.

روزنامه کیهان، مورخ ۱۱/۱۲/۱۳۳۵

### اسرار خیانت

### بیشتر بدانیم

## علی قوام بدقیافه سهم اشرف



اشرف، دختر محبوب رضاشاه نبوده؛ قیافه‌اش جذابیت چندانی نداشت و پوست سبز هاش باعث می‌شد جذابیت چهره‌اش به حداقل برسد. به همین دلیل وقتی رضاشاه تصمیم گرفت دخترانش را شوهر بدهد، به شمس حق انتخاب داد، اما به اشرف نه! خسرو معتضد، مورخ در کتاب «دو دختر قاجار در قصر شاه پهلوی» به نقل از توران امیرسلیمانی، همسر سوم رضاشاه می‌نویسد: ابراهیم قوام، از احفاد میرزا ابراهیم‌خان کلاکتر که روابط خوبی با انگلیسی‌ها داشت، به اتهام دوستی با سردار اسعد بختیاری که بعدها توسط رضاشاه به قتل رسید، مورد بی‌مهری پهلوی اول قرار گرفت. همسر ابراهیم که فامیل توران امیرسلیمانی بود، برای آنکه شرایط خانواده‌اش بهتر شود، از طریق وی به رضاشاه اطلاع داد که قصد دارند شمس پهلوی را برای پسرشان علی قوام که در آن موقع، در لندن اقتصاد می‌خواند، خواستگاری کنند. رضاشاه که دید شرایط فراهم است، گفت باید برای دختر دیگر، یعنی اشرف هم کاری کرد. رفتند و فریدون جم، پسر محمود جم را که در دوره‌ای نخست‌وزیر رضاشاه بود، از فرانسه آوردند و او هم شد خواستگار اشرف. اینها که می‌گویم مربوط به سال ۱۳۱۵ است. اما شمس گفت که علی قوام را نمی‌خواهد؛ چون او خیلی بدقیافه و قد کوتاه بود. به همین دلیل، شمس با فریدون جم که خوش‌تیپ بود ازدواج کرد و علی قوام بدقیافه سهم اشرف شد. وقتی در شهریور ۱۳۲۰ متفقین وارد ایران شدند، ابراهیم قوام تصمیم گرفت از رضاشاه به‌خاطر رفتارشان انتقام بگیرد. به‌اومی‌گفت متفقین بومی آورده‌اند که کل کاخ‌های سلطنتی را یک‌جا به هوامی‌فرستند! این رویکرد به خانواده قوام هم سرایت کرد. زن قوام دیگر به دیدار تاج‌الملوک، همسر رضاشاه‌نمی‌رفت و اختلافات اشرف و علی قوام هم به‌جایی رسید که علی یکبار او را با کمربندش به‌شدت کتک زد؛ این زمانی بود که رضاشاه در حال فرار بود. مدتی بعد هم اشرف از علی قوام طلاق گرفت.

شوهری که با هواپیما آمد



احمد مصطفی شفیق، یک مصری که خیلی‌ها نمی‌دانند چطور از تهران سر در آورد و بعدها شوهر خواهر دوقلوی شاه شد؟ خسرو معتضدی‌گوید: آشنایی اشرف با شفیق، از حدود سال ۱۳۱۸ آغاز شد؛ زمانی که فوزه به تهران آمده بود و شفیق به‌عنوان یک خلبان مصری، به‌صورت هفتگی میوه‌ها و شیرینی‌های موردعلاقه‌ش وی را از زادگاهش، یعنی قاهره، به تهران می‌آورد. شفیق مرد خوش‌تیپی بود و در همین مراده‌ها، با اشرف آشنا شد و احتمالاً مدتی هم با او رابطه داشت. بعدها، زمانی که اشرف به‌بانه دیدار پدرش، عازم مصر شد تا از آنجا به آفریقای جنوبی برود، تصمیم گرفت با شفیق ازدواج کند و به همین دلیل، در زمان حضور در قاهره از علی قوام جدا شد.

اشرف بعد از ازدواج دست شوهر جدیدش را گرفت و به ایران آمد. قرار شد شفیق را رئیس هواپیمایی کشور کنند و البته با وجود برخی مخالفت‌ها در مجلس، این کار انجام شد و شفیق شرکت هواپیمایی پارس را ثبت کرد. بعدها کاشف به‌عمل آمد که او با هواپیمایش، به‌صورت بسیار گسترده، اقدام به قاچاق موادمخدر و دیگر اجناس می‌کرده و البته، اشرف نیز شریک اصلی وی بوده‌است. خود اشرف در خاطراتش ادعا می‌کند که دلیل جدایی از شفیق، خیانت‌های مکرری و به اشرف بوده‌است.

**حمل‌عشق با کامیون به تهران!**

معتضد می‌گوید: رزم‌آرا مرد قدرتمندی بود و اشرف از چنین مردانی خوشش می‌آمد. به همین



دلیل هم مدتی عاشق او شد. نامه‌های اشرف به رزم‌آرا را که کاوه بیات منتشر کرده‌است، در جلد دوم کتابم درباره اشرف آورده‌ام. هفت، هشت نامه است که در آنها به رزم‌آرا اظهار علاقه می‌کند. اما این سفارت و علاقه، رویه دیگری هم داشت. رزم‌آرا به وابسته سفارت انگلیس در تهران گفته بود که این خانم، یعنی اشرف پهلوی، خیلی مزاحم من می‌شود. او در اصفهان و خاناتق مزارع گسترده خشخاش دارد و می‌خواهد که من دستور دم تریاک حاصل از آن را با کامیون‌های ارتش به تهران بیآورم! بنابراین، باید خیلی به بحث عشق و عاشقی بین او و رزم‌آرا مطرح نبوده‌است!

عروسی امین‌التجار



سومین ازدواج اشرف؛ یعنی پیوند زناشویی با مهدی بوشهری؛ خسرو معتضد در این باره می‌گوید: پدر مهدی بوشهری، حاج‌التجار بوشهری بود که ثروت فراوانی داشت و از مردان متمول دوره قاجار محسوب می‌شد. این امین‌التجار را، البته آدم زن‌یار‌های هم توصیف کرده‌اند. مهدی بوشهری از طرف مادری، رگ و ریشه روسی و گرجی داشت. بوشهری زمانی با اشرف پهلوی آشنا شد که او در جریان وقایع دوران ملی‌شدن صنعت نفت، از ایران گریخته و به پاریس رفته بود. با این حال، معتضد از دواج با بوشهری تا سال ۱۳۲۹ جدی نشد. قبل از بوشهری، اشرف خواستگاری داشت به نام احمد مَهْمَد که از آن نشان‌رلاتان‌های بین‌المللی بود و زمان اسفند محمدرضا پهلوی در مقام دادستان ایران در ۱۳۲۹ کنسول ایران در آمریکا محسوب می‌شد. اما به‌هر دلیل، این اتفاق نیتقاد و اشرف بعد از طلاق از شفیق، با مهدی بوشهری ازدواج کرده؛ ازدواجی که ظاهر دوام داشت. اما بوشهری اشرف را رها کرد و به پاریس رفت و در آنجا مسئول خانه ایران بود.